

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۲۱ آبان ۹۲

خطبه‌ی شب نهم

شکر و سپاس بی‌شمار به عظمت شش روز خلقت، خداوند با جلال و کبریایی را سزاوار است؛ شکر و سپاسی که عاشقان کوی‌اش در عروجشان به سوی او را حمد نمودند به سلامتی که سلامتی‌اش از آن اوست پس سلام بر جانی که حقیقتش را شناخت و به دنبال انوارش به حرکت درآمد؛ انواری که جهان ماده، آن را به‌عنوان روح می‌شناسد؛ روح، متصل‌کننده‌ی جان است به ملکوت جانی که ملکوتیان در گرداگردش در حرکت‌اند، با نوایش عشق روح قدسی را معنا می‌کنند و آنگاه که بال‌هایشان را به یکدیگر پیوند می‌زنند تا حرارتش را حس کنند نوایی به جانشان نهیب می‌زند که مراقب باشید، جان لطیفتان تحمل شعله‌اش را ندارد؛ شعله‌اش منور‌کننده‌ی خزان غیب است؛ خزانی که در صندوقچه‌ی جانش ذخیره می‌شوند تا آنگاه که به امر پروردگارش آن را باز کند عرشیان به تماشا بایستند و اعلام دارند جز آنچه پروردگارشان به آنان امر فرمود دانش دیگری نیاموخته‌اند.

چه روحی! چه ملکوتی! چه بازگشتی! چه حرارت عشقی و چه اعتراف زیبایی که توصیفش را از سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) شنیدیم که قلب بندگان عاشق را به لرزه‌ی قیامت دچار می‌کند. خداوند رحمان و عزیز و حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: چون پروردگارت به فرشتگان گفت من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم گفتند آیا کسی را می‌آفرینی که در آنجا فساد کند و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما به ستایش تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ گفت: من آن می‌دانم که شما نمی‌دانید آنان گفتند: منزهی تو، ما را جز آنچه خود به ما آموخته‌ای دانشی نیست تویی دانای حکیم.

این اعتراف به الست ختم نشد؛ پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و اهل‌بیتش بارها و بارها مخصوصاً اباعبدالله الحسین (ع) در نهضت عاشورا فرشتگان را وادار به اعتراف

کرد نه به اجبار بلکه مشتاقانه و عاشقانه و این اعترافها در ظهور دولت حقه‌ی مولایمان امام زمان (عج) به اوج خود خواهد رسید و آنانی که به همراه ایشان در آن دولت خواهند بود مورد تحسین عرشیان قرار خواهند گرفت همان‌گونه‌ای که آنانی که در شب عاشورا ماندند و روزش حماسه آفریدند مورد تحسین واقع شدند پس بیاید در این شبِ ماندن، عاشقانه به همراه مولایمان بمانیم.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا امام زمان خطبه‌ی امشب را قرائت می‌کنیم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی شب نهم

حم؛

سلام بر دولت ظهور؛ دولت به چه معناست؟ نامش را چه کسی برگزیده است و نشانی‌اش را در کجا باید جستجو کرد؟ شنوندگان مباحث شب‌های گذشته به حیات حق سفر کردند و با مسافرین ایستگاه‌هایش آشنا گشتند و اینک موقع برگشتن است. امشب سفینه‌ی نجات آماده است تا مسافرین حق را در خود جای دهد؛ آنانی که به وعده‌ی پروردگار عالم دل بستند و با ایمانی مستحکم به دنبالش روان گشتند. آن وعده‌ی شیرین‌تر از عسل در چادر خود نشسته است تا جان‌های مشتاق دنیا، در سیاهی شب بگریزند. با حلقه‌ی اشکی که دور چشم مبارکش جمع شده می‌فرماید: بروید، جان، متاعی گران‌بهاست آن را از تیغ‌های کشیده برهانید؛ آن تیغ‌ها بر جان‌هایی می‌تازد که آنان را دوست می‌دارند؛ از برقشان نمی‌هراسند بلکه با آغوشی باز استقبالشان می‌کنند. سر و صدا فرو می‌نشیند؛ سکوت بر صحرا حکم فرما می‌شود؛ جز صدای مناجات صدای دیگری بر نمی‌خیزد. طلوع فجر نزدیک است. سایه‌ای به چادر امام نزدیک می‌شود؛ سر را به آستانش می‌گذارد و می‌گوید: لحظه‌ای را برای دیدارتان برگزیدم که می‌دانم در سجده‌ی شکر هستید و چهره‌ی مرا که در خون جانم غوطه‌ور است را به داخل خیمه نمی‌خوانید پس آمده‌ام تا با آستانی درد و دل کنم که غربتش

را ساعاتی پیش به چشم خویش دیدم؛ سرورم، خورشید فردا آن زمان که طلوع کند و بر چهره‌ی حر بتابد نقشی را مشاهده خواهد کرد که پروردگارش او را برای آن نقش فراخواند و فرمود: به خورشید و ماه سوگند که من خوبی و بدی را به انسان القا کرده‌ام و من آن القا را در جانم به نمایش خواهم گذاشت پس اذنم دهید اولین کسی باشم که این فرمان پروردگارم را به نمایش می‌گذارم. حر می‌رود و برای نماز صبح باز می‌گردد. امام حسین (ع) می‌فرماید: ای سوار شونندگان بر کشتی نجات جدم نوح نبی، من کشتی خویش را در بیابانی دور از دریا ساخته‌ام؛ آبی برای روان کردنش ندارم جز خون پاکتان؛ آن را خون شما به حرکت درخواهد آورد و چه مقصد باشکوهی در انتظارتان است، آیا توان درکش را دارید؟ حضرت قاسم بن الحسن فریاد می‌زند: عمو جان، قبلاً آن را دیده‌ام. حضرت زینب (س) می‌فرمایند: ای فرزند رسول خدا، آنچه فرمودید برای سوار شونندگان بود آیا این وعده‌ی شیرین برای میراث داران چگونه تفسیر می‌شود؟ امام می‌فرماید: میراث داران من همان‌هایی هستند که قرآن کریم فرمود: هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید. سخت به شما دل‌بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است. آنگاه که آنان را در هدایت بینم با من هستند و آنگاه که از آن دور شوند دیگر نشانی از من را نمی‌یابند و اینک ضربان زمان عقربه‌ی این سفینه را به جهت یاران حق چرخانده است تا در آن بنشینند و با دولت عشق سفر کنند و باز زمان، منتظر کشتی نجات دیگری است تا جان‌ها ندای الستی‌شان را درک کنند؛ آیا توان شنیدن آن را دارند؟ اگر داشته باشند برای رسیدن به آن پروردگارشان را می‌خوانند به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج